

راههای بدست آوردن تقوا

این گوهر بی نظیر



محمد تقی صرفی پور



بعد از حمد و سپاس خداوند حکیم و درود و صلوات بر سرور انبیاء حضرت محمد مصطفی و اهل بیت طاهرینش

تقوا مهم ترین هدف برای رسیدن به مقام بندگی خداست.

در قرآن کریم واژه «تقوی» هفده بار و مشتقات آن بیش از دویست بار آمده است.. امیرالمومنین (ع) نیز در برخی سخنان مبارکش که سید رضی (ره) در نهج البلاغه جمع آوری فرموده ، در 77 مورد تقوا را مورد توصیه و تأکید قرار داده است.

از حضرت صادق (ع) پرسش شد از معنای تقوی ، حضرت فرمودند: هر جا امر خدا هست حاضر باشی و هر جا نهی اوست حاضر نباشی یعنی امرهای خدا را به جا آورنده و نهی های او را ترک کننده باشی. بنابراین تقوی را دو جهت است : اول اکتساب طاعات و امتثال اوامر الهی به اینکه سعی کند واجبی از او ترک نشود و در مرتبه دوم سعی کند مستحبات را تا آنجا که بتواند ترک نکند. جهت دوم اجتناب از محرمات و ترک نواهی پروردگار است به اینکه محرمات را مرتکب نشود و در مرتبه دوم سعی کند مکروهات را نیز ترک کند. کسی که طالب سعادت و مقام شامخ تقوی است باید جهت دوم را بیشتر اهمیت دهد زیرا اگر از محرمات پرهیز کرد عمل خویش هر اندازه هم کم باشد (پذیرفته شده و او را به خدا نزدیک می کند) (انما يتقبل الله من المتقين

در این کتاب به عواملی که باعث بدست آوردن تقوا میشود اشاره شده است.

زمستان 1401. کرمانشاه

نماز عامل تقوا

خداوند خود در قران کریم تضمین فرموده که نماز جلو فحشا و منکرات را می گیرد و در عمل هم این چنین است و شاهد ما یکی زندان هاست که معمولاً اکثر زندانی ها اهل نماز نبوده و نیستند! و یکی رفتار نمازخوان هاست که معمولاً اهل گناه نیستند.

از خصوصیات مهم حضرت امام این بود که همیشه #نماز را در #اول وقت می خواندند و به نافله اهمیت می دادند. این خصوصیت از همان آغاز جوانی، وقتی که هنوز بیشتر از بیست سال نداشتند، در ایشان وجود داشت. چند تن از دوستان نقل می کردند: مدت زیادی در این فکر بودیم و بارها به طرق مختلف ایشان را امتحان کردیم، مثلاً درست اول وقت نماز، سفره غذا را می انداختیم و یا وقت رفتن به مسافرت را اول وقت نماز قرار می دادیم. اما ایشان می فرمودند: "شما غذایتان را بخورید. من هم نمازم را می خوانم. هر چه که بماند من می خورم." و یا در موقع مسافرت می فرمودند: "شما بروید، من هم می آیم و به شما می رسم." مدت ها از این مسئله گذشت و نه تنها ایشان نماز اول وقتشان ترک نشد، بلکه ما را هم واداشتند که در اول وقت نمازمان را بخوانیم.

روزه ماه مبارک رمضان:

خدا خود فرمود که روزه بگیرید تا به تقوا برسید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ^۱

ای اهل ایمان، بر شما هم روزه واجب گردید چنانکه امم گذشته را فرض شده بود، و این دستور برای آن است که پاک و پرهیزکار شوید

دستآورد بزرگ روزه ماه مبارک رمضان، رسیدن به تقوا این گوهر بی نظیر است.

سحر خیزی

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ * آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ * كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ * وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (ذاریات: ۱۵-۱۸)

به یقین پرهیزکاران در باغ‌های بهشتی و میان چشمه‌ها قرار دارند و آنچه پروردگارشان به آنها بخشیده، دریافت می‌دارند؛ زیرا پیش از آن [در سرای دنیا] از نیکوکاران بودند. آنان کمی از شب را می‌خوابیدند و در سحرگاهان استغفار می‌کردند

گریه از خوف خدا

:رسول خدا (ص) درباره کسانی که از گزند وسوسه شیطان در امان‌اند، فرمود

ثَلَاثَةٌ مَعْصُومُونَ مِنْ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ الذَّاكِرُونَ لِلَّهِ وَالْبَاكُونَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَغْفِرُونَ بِالْأَسْحَارِ

سه گروه از [وسوسه‌های] ابلیس و لشکریانش در امان‌اند: آنان که خداوند را یاد می‌کنند، و آنان که از بیم [عذاب] خداوند گریه دارند و کسانی که سحرگاهان استغفار می‌کنند

کنترل زبان

یکی از مهم‌ترین راههای رسیدن به گوهر بی نظیر تقوا، کنترل زبان است که امیر مؤمنان، علی (ع) در این باره می‌فرماید

والله ما اری عبدا یتقی تقوی تنفعه حتی یحزن لسانه؛ (نهج البلاغه، خ 175، ص 570) سوگند به خدا! «
من گمان نمی‌کنم کسی به مرحله تقوا و پرهیزکاری برسد که به حال او فایده داشته باشد، مگر این
«که، زبانش را کنترل کند

خداوند در قرآن کریم به نعمت زبان اشاره فرموده و می فرماید: (الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ؛ [1] زبان عمده ترین وسیله ای است که مردم به کمک آن با یکدیگر ارتباط فکری برقرار می کنند و ایجاد تفاهم و انتقال مفاهیم از طریق زبان صورت می گیرد. در یک جمله زبان ملاک ارزش و معرف شخصیت انسان و ترازوی عقل اوست. حضرت علی - علیه السلام - می فرماید: «المرءُ مخبوءٌ تحت لسانه؛ [2] شخصیت هر کس در پی زبان اوست» زبان با تمام فوایدی که برایش ذکر می شود مفاسد و آفاتی نیز دارد که باید آنها را شناخت تا با کنترل زبان، از ابتلاء به آن آفات پیشگیری و اجتناب ورزید.

در قرآن کریم آمده است: ای کسانی که ایمان آورده اید نباید قومی قوم دیگر را مسخره کند، شاید آنها از اینها بهتر باشند، و نباید زنانی زنان دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند. از یکدیگر عیب مگیرید، و به همدیگر لقبهای زشت مدهید، چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان. [و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند.] [3]

[خداوند در آیه دیگر می فرماید: وای بر هر بدگوی عیجویی. ویلٌ لکل همزة لمزة.] [4]

در روایتی داریم که حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - فرمود: «هر که متعهد شود محافظت آنچه میان دو فک اوست که زبان باشد، و آنچه میان دو پای اوست، من از برای او بهشت را متعهد می [شوم.]» [5]

شخصی به آن حضرت عرض کرد که: راه نجات چیست؟ فرمود: زبان خود را نگاه دار. [6] و دیگری عرض کرد که: از چه چیز بیشتر بر من ترسیده شود؟ زبان او را گرفت و فرمود: این و فرمود بیشتر [چیزی که مردمان را داخل جهنم می کند زبان است و شهوت.] [7]

:السلام - می فرماید حضرت علی - علیه

[به خدا سوگند، باور نمی کنم بنده ای زبانش را حفظ نکند تقوایی سودمند به دست آورد.] [8]

پیامبر اکرم می فرماید: «بیشترین مردم به خاطر گناه و آفت زبان به جهنم می روند.» که در اینجا به

[بعضی از آنها اشاره می کنیم].9

1. غیبت. 2. نیمه. 3. دروغ. 4. دو زبانی. 5. بهتان و افتراء. 6. قذف. 7. افشاء اسرار مؤمن. 8. دشنام.
9. لعن و نفرین. 10. طعن و شماتت. 11. سُخریه و استهزاء. 12. مدح. 13. اظهار غضب. 14. غنا.
15. کثرت مزاح و خنده. 16. مرء و جدال. 17. خصومت. 18. سؤال عوام از امور مشکله. 19. تکلم بدون علم. 20. تکلم بی فایده. 21. منکر خدا شدن. 22. غیر خدا را پرستش کردن. 23. دروغ بستن به خدا. 24. تکذیب آیات خدا. 25. کفران نعمت. 26. از خدا شکوه کردن. 27. اظهار ناامیدی کردن از خداوند. 28. به خداوند دشنام دادن. 29. نسبت فرزند به خدا دادن. 30. نسبت بی عدالتی به خدا. 31. ادعای خدائی کردن. 32. از خدا درخواست بیجا کردن. 33. دعای خیر برای ستمگران.
34. نفرین کردن. 35. چون و چرا کردن در کار خدا. 36. خدا را متهم کردن که به قتل امام حسین راضی بوده. 37. با دشمنان خدا اظهار دوستی کردن. 38. منکر رسالت پیامبر شدن. 39. پیامبر را مجنون خواندن. 40. اسرار امامان معصوم را فاش کردن. 41. از سخن امام عیب گرفتن. 42. برای ظهور امام زمان وقت تعیین کردن. 43. ادعای امامت کردن. 44. حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال دانستن. 45. احکام را با قیاس سنجیدن. 46. به ناحق شهادت دادن. 47. تفسیر به رأی کردن قرآن. 48. مؤمن را خوار کردن. 49. فاسق را عزیز شمردن. 50. مؤمن را ترساندن. 51. اظهار فقر و تنگدستی کردن. 52. راز خود را به دیگران گفتن. 53. به پدر و مادر اُف گفتن. 54. عیجیوئی کردن. 55. نسبت زنا به کسی دادن. 56. خلافکار را تشویق کردن. 57. مؤمنان را با القاب زشت خواندن. 59. به مال و منال دیگران غبطه خوردن. 60. وعده دروغ دادن. 61. صفات نیک زنان را به نامحرمان گفتن. 62. با زن نامحرم شوخی کردن. 63. فال بد زدن. 64. عذر تراشی برای ظلم ظالمان.
65. سخن برادر مسلمان خود را قطع کردن. 66. پیشگویی و کھانت. 67. منت کشیدن. 68. با خواندن قرآن کسب روزی کردن. 69. امر سلاطین را امر خدا دانستن. 70. در کیفیت خدا سخن

[گفتن].10

اصحاب برای کنترل زبان سنگریزه در دهان می گذاشتند!

مرحوم آیت اله قاضی برای اینکه سکوت کنند چند سال متوالی از یه تکه سنگ در زیر زبان خود استفاده کردند به گفته خودشون به این مهم دست یافتند و این عمل رو به چندی از شاگردان خویش هم توصیه کرده اند

سخن گر چه هر لحظه دلکش تر است

چو بینی خموشی از آن خوشتر است

در فتنه بستن دهان بستن است

که گیتی به نیک و بد آبستن است

پشیمان ز گفتار دیدم بسی

پشیمان نگشت از خموشی کسی (امیر خسرو دهلوی)

این عمل مرحوم آقای قاضی دستور العمل تازه ای نبوده چون در زمان پیامبر گرامی اسلام (ص) این کار توسط بعضی از صحابه انجام می شد چنانچه مرحوم نراقی در معراج السعاده ص 588 این گونه بیان کردند: بعضی از اصحاب رسول خدا (ص) سنگریزه به دهان خود می گذاردند تا بی اختیار سخن نگویند، و چون اراده تکلم به سخنی که از برای خدا بود می کردند آن را از دهان خود بیرون می آوردند

. آیه ۱۸ سوره ق «مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ»

مردی که به زنش خانم بگو...

..عالمی که حرفی زد بر اثرش کسی کشته شد

امام جمعه ای گفت شهری کاندیدا شدم ...

شخصی کنار جالیز نشسته بود و می گفت از این خیارها نخورید حرام است...

ایه الله حسن زاده گفت نامه به ...

آیة الله حسن زاده آملی فرمود: من به آقای سید محمد حسن آقای الهی برادر بزرگتر مرحوم علامه طباطبائی که در عرفان و سیر و سلوک از شاگردان مرحوم سید علی قاضی بودم مکرر عرض می کردم: وقتی خدمت آقا (علامه قاضی) می رسید. از جانب من از ایشان خواهش کنید که مرا هم در تشرّف به خدمت حضرت بقیة الله (عج) شریک خود نمایند و برای من نیز اجازه ملاقات بگیریید (چون می دانستم این دو بزرگوار به این سعادت عظیم می رسند)

روزی در شهر آمل بعد از ظهر خواستم استراحتی داشته باشم، بچه ها داد و فریاد کردند و مانع استراحتم شدند. من عصبانی شده، با آنها تندی نمودم و پرخاش کردم ولی بعد، از آن حرکات خودم پشیمان شدم از این که بچه ها را ناراحت کردم وجدانم ناراحت بود، عصر رفتم بازار و مقدار شیرینی و میوه خریده به منزل آوردم که شاید بدینوسیله دل بچه ها را به دست آورم، با این حال وجدانم آرام نمی گرفت آشفته خاطر بودم

بالاخره تصمیم گرفتم سفری به شهر تبریز کرده با مرحوم سید محمد حسن الهی ملاقات کنم، رفتم تبریز، وقتی به خدمت ایشان رسیدم پیش از این که علّت مسافرتم را بگویم، گفتم: عرض مرا به خدمت استاد (سید علی قاضی) رساندی؟

فرمود: من راجع به این موضوع نامه ای به شما نوشتم و چون آدرس شما را نداشتم به خدمت آقای اخوی (سید محمد حسین طباطبائی) فرستادم که به شما برساند، و در آن نامه یادآور شدم که وقتی پیام شما را به آقا عرض کردم آقا تأملی کرده سپس با ناراحتی فرمودند:

ایشان چگونه می خواهند این راه را طی نمایند با آن اخلاقی که نسبت به عائله و کودکان انجام و با «
» آنها دعوا کردند، با آن اخلاق تند چگونه می شود به این رتبه و مقام رسید

آری در این راه نا همواریها، دست اندازها، پیچ و خمها و خطرهای زیادی هست که سالک باید هوشیارانه مواظب و مراقب خود باشد و تمام اعضاء و جوارح خود را همیشه کنترل نماید. (داستانهایی از اخلاق اسلامی

(نویسنده: علی میرخلف زاده

ایه الله قزوینی گفت خواست خانه آقای کشمیری

چهل حدیث در باره سکوت

اهمیت «صمت» (سکوت) در روایات اسلامی بازتاب بسیار گسترده ای دارد، و نکته های دقیق و ظریفی درباره آن بیان شده، و آثار و ثمرات آن با تعبیرات جالبی تشریح شده است، که به بخشی از آن ذیلا اشاره می شود

در زمینه تاثیر سکوت در تعمیق تفکر و استواری عقل، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده -1- که فرمود: «اذا رایتم المؤمن صموتا فادنوا منه فانه یلقى الحکمة و المؤمن قلیل الکلام کثیر العمل و

المنافق كثير الكلام قليل العمل؛ هنگامی که مؤمن را خاموش ببینید به او نزدیک شوید که دانش و حکمت به شما القا می کند، و مؤمن کمتر سخن می گوید و بسیار عمل می کند، و منافق بسیار سخن (می گوید و کمتر عمل می کند.) 1)

در حدیث دیگری در همین زمینه از امام صادق علیه السلام می خوانیم که فرمود: «دلیل العاقل -2 (التفکر و دلیل التفکر الصمت؛ نشانه عاقل فکر کردن و نشانه فکر کردن، سکوت نمودن است.» 2)

در حدیث دیگری از امام امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «اکثر صمتک یتوفر فکرك و -3 یستتر قلبک و یسلم الناس من یدک؛ بسیار خاموشی برگزین تا فکرت زیاد شود، و عقلت نورانی گردد، و مردم از دست (و زبان) تو سالم بمانند!» 3)

از این روایات بخوبی استفاده می شود که رابطه دقیق میان بارور شدن فکر و اندیشه، با سکوت وجود دارد؛ دلیل آن هم روشن است، زیرا قسمت مهمی از نیروهای فکری انسان در فضول کلام و سخنان بیهوده از میان می رود؛ هنگامی که انسان سکوت را پیشه می کند، این نیروها متمرکز می گردد، و فکر و اندیشه را به کار می اندازد، و ابواب حکمت را به روی انسان می گشاید؛ به همین دلیل، مردم سخن گفتن بسیار را دلیل کم عقلی می شمردند و افراد کم عقل سخنان بیهوده بسیار می گویند.

از بعضی از روایات استفاده می شود که یکی از مهمترین عبادت سکوت است؛ از جمله، در -4 مواعظ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر می خوانیم: «اربع لا یصیبهن الا مؤمن، الصمت و هو اول

العبادة ... ؛ چهار چیز است که تنها نصیب مؤمن می شود، نخست سکوت است که سرآغاز عبادت (می باشد ...) « 4

از بعضی از احادیث استفاده می شود که پرگویی مایه قساوت و سنگدلی است، در حدیثی از امام 5- صادق علیه السلام می خوانیم: «كان المسيح عليه السلام يقول لا تكثر الكلام في غير ذكر الله فان الذين يكثرون الكلام في غير ذكر الله قاسية قلوبهم ولكن لا يعلمون؛ حضرت مسیح علیه السلام می فرمود؛ جز به ذکر خدا سخن زیاد مگویید، زیرا کسانی که در غیر ذکر خدا سخن بسیار می گویند دلهایی پر (قساوت دارند ولی نمی دانند!) « 5

در حدیث دیگری از امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام می خوانیم: سکوت نه تنها از اسباب 6- علم و دانش است، بلکه راهنما به سوی هر خیر و نیکی است؛ فرمود: «ان الصمت باب من ابواب الحکمة، ان الصمت یکسب المحبة انه دلیل علی کل خیر؛ سکوت دری از درهای دانش است، (سکوت محبت می آورد، و دلیل و راهنمای همه خیرات است. « 6

این که می فرماید: سکوت محبت می آورد به خاطر این است که بسیاری از رنجشها و عداوتها از نیش زبان زدن و تعبیرات نامناسب درباره اشخاص حاصل می شود، و سکوت انسان را از آن نجات » می دهد

سکوت سبب نجات از بسیاری از گناهان می شود و در نتیجه کلید ورود در بهشت است. چنان که 7- در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم: که مردی نزد آن حضرت آمد (و طالب سعادت و نجات بود) پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: آیا تو را به چیزی راهنمایی کنم که خدا به وسیله آن تو را وارد بهشت می سازد، عرض کرد آری ای رسول خدا! سپس دستور به انفاق و یاری مظلوم و کمک از طریق مشورت فرمود، و بعد دستور به سکوت داد و فرمود: «فاصمت لسانک الا من خیر؛ سکوت اختیار کن جز از نیکیها» و در پایان افزود: «هرگاه یکی از این صفات در تو باشد، تو را (به سوی بهشت می برد.» (7)

بی شک یکی از آثار مثبت سکوت، آراسته شدن به زیور و قار است. همان گونه که در حدیثی از 8- امیرمؤمنان علی علیه السلام می خوانیم: «الصمت یکسیک الوقار، و یکفیک مئنه الاعتذار؛ سکوت (لباس وقار بر تو می پوشاند و مشکل عذر خواهی را از تو بر می دارد!» (8)

شخصی که زیاد سخن می گوید؛ اشتباهات فراوانی دارد که هم از ابهت او می کاهد، و هم او را وادار به عذر خواهی مکرر می کند.

همین معنی به شکل گویاتری در حدیث دیگری از همان حضرت آمده است، فرمود: «ان کان فی 9- الکلام بلاغه ففی الصمت السلامة من العثار؛ اگر در سخن گفتن، بلاغت بوده باشد، در سکوت (سلامت از لغزشهاست!» (9)

!از این حدیث استفاده می شود که سکوت حتی بر سخنان بلیغ گاهی برتری دارد

این بحث را با حدیث دیگری از امام حسن علیه السلام پایان می دهیم هرچند در این زمینه 10- احادیث فراوان دیگری باقی مانده که ذکر همه آنها ما را از روشی که در این مباحث داریم درو سازد؛ فرمود: «نعم العون الصمت فی مواطن کثیره و ان کنت فصیحا؛ سکوت یاور خوبی است در (بسیاری از موارد، هرچند سخن گویی فصیح باشی!» (10)

آنچه در بالا درباره اهمیت سکوت و آثار سازنده و مثبت آن در تعمیق تفکر آدمی و جلوگیری از اشتباهات و مصون ماندن از انواع گناهان و حفظ شخصیت و ابهت و وقار، و عدم نیاز به عذرخواهی های مکرر و مانند آن آمد، به این معنی نیست که سخن گفتن همه جا نکوهیده و مذموم باشد، و انسان از همه چیز لب فرو بندد، چرا که این خود آفت بزرگ دیگری است

هدف از ستایش سکوت در آیات و روایات اسلامی، باز داشتن از پرگویی و سخنان لغو و بیهوده و گفتارهای اضافی و غیر لازم است و گرنه در بسیاری از موارد، سخن گفتن، واجب و لب فرو بستن و سکوت، حرام مسلم است

مگر نه این است که نعمت بیان به صورت بزرگترین نعمت در سوره الرحمن بعد از نعمت آفرینش انسان شمرده شده است، و یکی از بزرگترین افتخارات نوع بشر داشتن زبان گویا و قدرت بر تکلم است.

بسیاری از عبادات بزرگ مانند نماز، مراسمی از حج، تلاوت قرآن و اذکار، به وسیله زبان انجام می شود:

امر به معروف و نهی از منکر، تعلیم علوم واجبه، ارشاد جاهل، تنبیه غافل، و راهنمایی به سوی حق و عدالت، و بسیاری از شؤون تعلیم و تربیت به وسیله زبان انجام می گیرد؛ هیچ دانشمند و صاحب فکری نمی گوید در این گونه موارد باید سکوت کرد. آنچه مایه بدبختی انسان و بازداشتن او از تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله است سخنان اضافی و به اصطلاح «فضول الکلام» است؛ بنابراین، باید از هر گونه افراط و تفریط در این مساله شدیداً پرهیز کرد

امام سجاد علی بن الحسین علیهما السلام در باره سکوت سخنی دارد، که سخن آخر و قول فصل است و حق مطلب را بخوبی ادا فرموده است

کسی از آن حضرت پرسید: آیا سخن گفتن افضل است یا سکوت؟ امام علیه السلام در جواب فرمود:

لکل واحد منهما آفات فاذا سلما من الآفات فالکلام افضل من السکوت. قيل کیف ذلک یا بن رسول الله علیه السلام؟ قال: لان الله عزوجل ما بعث الانبياء و الاوصياء بالسکوت، انما بعثهم بالکلام، و لا استحققت الجنة بالسکوت و لا استوجبت ولاية بالسکوت و لا توقیت النار بالسکوت انما ذلک کله بالکلام، ما کنت لا عدل القمر بالشمس انک تصف فضل السکوت بالکلام و لست

تصف فضل الکلام بالسکوت» ؛ هر کدام از این دو آفاتی دارد، هر گاه هر دو از آفت در امان باشد، سخن گفتن از سکوت افضل است، عرض شد ای پسر رسول خدا چگونه است این مطلب؟ فرمود: این به خاطر آن است که خداوند متعال، پیامبران و اوصیای آنها را به سکوت مبعوث و مامور نکرد، بلکه آنها را به سخن گفتن مبعوث کرد، هرگز بهشت با سکوت به دست نمی آید، و ولایت الهی با سکوت حاصل نمی شود، و از آتش دوزخ با سکوت رهایی حاصل نمی شود، همه اینها به وسیله کلام و سخن به دست می آید، من هرگز ماه را با خورشید یکسان نمی کنم، حتی هنگامی که می خواهی فضیلت سکوت را بگویی با کلام آن را بیان می کنی و هرگز فضیلت کلام را با سکوت شرح (نمی دهی!)» (11)

بی شک «سکوت» و «سخن گفتن» هر کدام جائی و مقامی دارد و هر یک از آنها دارای جنبه های مثبت و جنبه های منفی است، و بی شک جنبه های مثبت سخن گفتن فزونتر از جنبه های منفی آن است؛ ولی از آنجا که جنبه های مثبت سخن گفتن هنگامی آشکار می شود که انسان در مراحل تهذیب نفس توفیق کافی یافته باشد؛ به همین دلیل کسانی را که در آغاز راهند بیشتر توصیه به سکوت می کنند، و بعد از کسب سلطه بر هوای نفس و به اصطلاح مالک زبان شدن، مامور به سخن گفتن و هدایت مردم می شوند.

در اینجا معیار روشنی داریم، هر گاه ما سخنانی را که در شبانه روز می گوئیم روی یک نوار ضبط کنیم و بعد با دقت و سختگیری و خالی از تعصب به بررسی آن پردازیم مشاهده می کنیم که از میان صدها یا هزاران کلمه که در طول یک شبانه روز از ما صادر شده، مقدار کمی از آن مربوط به

اهداف الهی یا حوائج زندگی و ضروریات حیات می باشد و بقیه فضول کلام و سخنان اضافی است که در لابه لای آن احیاناً مطالب ناروا و گناه آلود یا سخنان مشکوک و مشتبّه می باشد.

هدف از سکوت مبارزه با انبوه فضول کلام و سخنان اضافی و بی هدف، و احیاناً بی معنی یا گناه آلود است.

این نکته نیز شایان توجه است که «صمت» و «سکوت» هر چند در منابع اصلی لغت تقریباً به یک معنی تفسیر شده است، ولی در کلمات بعضی از علمای اخلاق تفاوتی در میان آن دو دیده می شود؛ به این معنی که، سکوت ترک کلام بطور مطلق است، ولی «صمت» به معنی ترک سخن گفتن در اموری است که هدف صحیحی را تعقیب نمی کند (ترک ما لا یعنیه) و آنچه برای سالکان الی الله و راهیان (راه خدا و علاقه مندان به تهذیب نفس ضرورت دارد، بیشتر «صمت» است نه «سکوت». (دقت کنید

و آنچه در سابق، یعنی اهمیت سکوت و صمت و تاثیر آن در تهذیب نفوس و اخلاق گذشت، در واقع یکی از طرق اساسی برای پیشگیری از آفات زبان است، چرا که زبان مهمترین کلید دانش و فرهنگ و عقیده و اخلاق است؛ و اصلاح آن سرچشمه همه اصلاحات اخلاقی، و انحراف آن سبب انواع انحرافات است؛ بنابراین، بحث اصلاح زبان بحثی فراتر از مساله سکوت می باشد.

اصلاح زبان و گفتار از آنجا اهمیت فوق العاده در بحثهای اخلاقی به خود گرفته، که زبان ترجمان دل و نماینده عقل و کلید شخصیت انسان و مهمترین دریچه روح است.

بحار الانوار، جلد 75، صفحه 312. 2- همان مدرک، صفحه 300. 3- میزان الحکمه، جلد 2، 1-
صفحه 1667، شماره 10825. 4- میزان الحکمه، ماده صمت، حدیث 10805. 5- اصول کافی،
جلد 2، صفحه 114، (باب الصمت و حفظ اللسان، حدیث 11). 6- اصول کافی، جلد 2، صفحه
113. 7- همان. 8- غرر الحکم، شماره 1827. 9- غرر الحکم، شماره 3714. 10- میزان
الحکمه، ماده صمت، حدیث 10826. 11- بحار الانوار، جلد 68، صفحه 274

قال رسول الله - صلى الله عليه و آله - : السكوت خيرٌ من إملاء الشرِّ و إملاء الخير خيرٌ من 1.
السكوت.

«بحار الانوار، ج 71، ص 294»

رسول اکرم - صلى الله عليه و آله - فرمود: خاموشی بهتر از املاء کردن بدی (بر فرشتگان کاتب
اعمال) است و املاء کردن خوبی، بهتر از خاموشی است

...قال رسول الله - صلى الله عليه و آله - : اربعه لا يصيبهن الا مؤمن: الصمت و هو اول العبادہ .2

«مكارم اخلاق، ج 2، ص 377»

رسول اکرم - صلى الله عليه و آله - فرمود: چهار چیز است که دست نمی یابد به آنها مگر انسان مؤمن: یکی از آنها سکوت است که سر آغاز عبادات می باشد

قال الامام الصادق - عليه السلام - : ليس شئ احق بطول السجن من اللسان .3

«مستدرک الوسائل، ج 9، ص 29»

امام صادق - عليه السلام - فرمود: هیچ چیز سزاوارتر از زبان برای زندانی شدن به مدت طولانی نیست.

قال الامام الرضا - عليه السلام - : أَحْسَنَ الصَّمْتُ لَا مِنْ عِيٍّ وَالْمِهْذَارُ * لَهُ سَقَطَاتٌ 4.

«الاختصاص، ص 232»

امام رضا - عليه السلام - فرمود: چه نیکوست آن سکوتی که از روی درماندگی (در سخن گفتن) نباشد، و پرگویی را لغزش‌ها است. *المِهْذَار. من یكثر فی کلامه من الخَطَا والبَاطِل

قال الامام علی - عليه السلام - : الکلام بین خصلتی سوءِ هما الإِکثار و الإِقلال، فالاکثار هذرٌ و 5. الإِقلال عیٌّ و حَصْرٌ

«نهج البلاغه، حکمت 183»

امام علی - عليه السلام - فرمود: سخن گفتن میان دو خصلت بد جای گرفته است، پرگویی و کم‌گویی، پرگویی به یاوه‌گویی می‌انجامد و کم‌گویی درماندگی و ناتوانی (از بیان مقصود) است.

قال الامام على - عليه السلام - : لا خير في الصمت عن الحُكم كما أنّه لا خير في القول بالجهل . 6.

«نهج البلاغه، حکمت 182»

امام علی - علیه السلام - فرمود: در خاموشی از بیان حکمت خیر و خوبی ای نیست چنان که در گفتار با جهل هم خبری نیست.

قال الامام على - عليه السلام - : لا حافظ احفظ من الصمت . 7.

«بحارالانوار، ج 71، ص 275»

امام علی - علیه السلام - فرمود: هیچ نگهبانی، حافظ تر و نگهبان تر از خاموشی نیست.

قال الامام الحسن - عليه السلام - : نعم العون، الصّمت فى مواطن كثيرةٍ وإن كنت فصيحاً .8

«معانى الاخبار، ج 62، ص 401»

امام حسن - عليه السلام - فرمود: در بسيارى مواقع خاموشى خوب ياورى است، هرچند سخنور
باشى.

قال الامام على - عليه السلام - : اذا اراد الله سبحانه صلاح عبدٍ ألهمهُ قلَّةَ الكلام و قلَّةَ الطعام و قلَّة .9
المنام.

«غررالحكم، ح 4117»

امام على - عليه السلام - فرمود: هرگاه خداوند سبحانه صلاح بنده‌اى را بخواهد، كم گويى و كم
خورى و كم خوابى را در دل او افكند

قال الامام على - عليه السلام - : الكلام فى وثاقتك مالم تتكلم به، فاذا تكلمت به صرت فى وثاقتك 10.
....فاخزن لسانك كما تخزن ذهبك

«نهج البلاغه، حکمت 381»

امام على - عليه السلام - فرمود: تا کلامی را به زبان نیاورده‌ای، در بند توست. اما هنگامی که به زبان آوردی تو در بند آن در می‌آیی. پس همان گونه که زر و سیم خود را در گنجینه می‌نهی، زبانت را نیز در گنجینه دهان نگه‌دار؛ زیرا چه بسا سخنی که نعمتی را از کف برده و خشم و کفری (الهی) را آورده است.

قال الامام على - عليه السلام - : الكلام كالدواء؛ قليله ينفع و كثيره قاتلٌ 11.

«غررالحکم، ح 2882»

امام علی - علیه السلام - فرمود: سخن چون داروست اندکش سود می‌بخشد و بسیارش کشنده است

قال رسول الله - صلى الله عليه و آله - : الصمت عبادة لمن ذكر الله . 12.

«بحارالانوار، ج 71، ص 249»

رسول اکرم - صلى الله عليه و آله - فرمود: خاموشی برای کسی که ذکر خدا گوید، عبادت است

قال الامام الصادق - عليه السلام - : لا يزال العبد المؤمن يكتبُ محسناً مادام ساكناً، فاذا تكلم . 13.
كُتِبَ محسناً او مسيئاً

«اصول کافی، ج 2، ص 116»

امام صادق - علیه السلام - فرمود: بنده مؤمن تا زمانی که خاموش است، نیکوکار قلمداد می‌شود، اما چون سخن گوید یا نیکوکار شمرده می‌شود یا بدکار.

قال الامام علی - علیه السلام - : العاقل لا يتكلم الا بحاجته او حجته . 14.

«غررالحکم، ح 1732»

امام علی - علیه السلام - فرمود: خردمند سخن نگوید، مگر برای نیازش یا دلیل و حجت‌اش.

قال رسول الله - صلى الله عليه و آله - : يا ايها الناس ألا أنبئكم بامرین خفیف مؤنثُهُما عظیم . 15.
اجرهما لم يلقَ الله بمثلهما، طول الصّمتِ و حسن الخلق

«بحارالانوار، ج 74، ص 181»

رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - فرمود: ای مردم همانا خبر می دهم شما را به دو کار کم هزینہ و
پراجری که کاری به مانند این دو کار انسان را به لقاء خدا نمی رساند: سکوت طولانی و خلق نیکو

قال الامام الصادق - عليه السلام - : فَإِنَّ الصَّمْتَ زَيْنٌ لَّكَ عِنْدَ الْعُلَمَاءِ وَ سِتْرٌ لَّكَ عِنْدَ الْجُهَّالِ . 16.

«بحارالانوار، ج 75، ص 283»

امام صادق - عليه السلام - فرمود: خاموشی زینت تو نزد علما و حجاب (نگهدارنده حریم) تو نزد
جاهلان است.

قال امير المؤمنين - عليه السلام - عن النبي - صلى الله عليه و آله - : قَالَ فِي لَيْلَةِ الْمِعْرَاجِ يَا رَبِّ مَا
أَوَّلُ الْعِبَادَةِ قَالَ أَوَّلُ الْعِبَادَةِ الصَّمْتُ . 17.

«مستدرک الوسائل، ج 7، ص 500»

امام علی - علیه السلام - از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - نقل می فرمایند که ایشان شب معراج به پروردگار متعال گفت: ای پروردگار اول مرحله بندگی چیست؟ خداوند متعال فرمود: اولین مرحله بندگی سکوت است

قال الامام علی - علیه السلام - : الصمت آیه النبل و ثمره العقل . 18.

«غررالحکم، ح 1343»

امام علی - علیه السلام - فرمود: خاموشی نشانه هوشمندی و نتیجه عقل و خرد است

قال الامام الصادق - عليه السلام - : الصمت كنزٌ وافر و زينٌ الحليم و ستر الجاهل . 19.

«بحارالانوار، ج 71، ص 288»

امام صادق - عليه السلام - فرمود: خاموشی، گنجی سرشار و زینت انسان حلیم و پوشش نادان است

قال الامام علی - عليه السلام - : الصُّمْتُ رَوْضَةُ الْفِكْرِ . 20.

«غررالحکم، ح 546»

امام علی - عليه السلام - فرمود: سکوت بوستان (و جایگاه) فکر و اندیشه است

قال الامام علی - عليه السلام - فی وصیئهِ قبل وفاته: الزم الصَّمتَ تَسْلَمَ . 21.

«بحارالانوار، ج 71، ص 78»

امیر مؤمنان - علیه السلام - قبل از شهادت، در وصیتشان فرمود: مداومت بر سکوت داشته باش تا
سالم بمانی.

قال رسول الله - صلى الله عليه و آله - : عليك بطول الصّمت فإنّه مطرده للشيطان و عونٌ لك على . 22.
امر دينك.

«بحارالانوار، ج 63، ص 199»

رسول اکرم - صلى الله عليه و آله - فرمود: بر تو است سکوت طولانی چرا که سکوت طولانی شیطان
را از تو دور می کند و کمک کار تو بر امور دینی ات است.

قال الامام الحسن - عليه السلام - : قد اكثر من الهيئه الصامت .23

«بحار الانوار، ج 78، ص 113»

امام حسن - عليه السلام - فرمود: انسان خاموش هيبت و عظمتش زياد است

قال الامام على - عليه السلام - : بكثرة الصمت تكون الهيئه .24

«نهج البلاغه، حكمت 224»

امام على - عليه السلام - فرمود: سكوت بسيار موجب هيبت می شود

قال الامام على - عليه السلام - : الزم الصمت فادنى نفعه السلامه . 25.

«غررالحكم، ح 2314»

امام على - عليه السلام - فرمود: مداومت بر سکوت داشته باش چرا که کمترین نفعش سالم ماندن
توست.

قال الامام على بن الحسين - عليه السلام - : احفظ عليك لسانك تملك به اخوانك . 26.

«بحارالانوار، ج 71، ص 115»

امام سجاد - عليه السلام - فرمود: زبان خویش را نگهدار، تا دوستیت با برادران (دینی ات) پا برجا
بماند.

قال الامام على - عليه السلام - : فى الصمت السلامة من الندامة و تلافيك ما فرط من صمتك . 27.
....أيسرُ من ادراك فائدة ما فات من منطقك

«نهج البلاغه، نامه 31»

امام على - عليه السلام - فرمود: خاموشی مایه مصون ماندن از پشیمانی است؛ و تلافی آنچه بر اثر خاموشی از دست رفته آسانتر از جبران فایده‌ای است که بر اثر سخن گفتن از کف رفته باشد، که نگه داشتن آنچه در ظرف است با بستن در آن است

قال الامام على - عليه السلام - : عن النبى فى حديث المعراج؛ يا احمد، عليك بالصمت، فانّ 28.
اعمر مجلس قلوب الصالحين و الصامتين و إنّ آخرَ مجلس قلوب التحكمين بما لا يغنيهم

«ارشاد القلوب، ص 203»

امام علی - علیه السلام - فرمود: پیغمبر اکرم در حدیث معراج می فرماید: ای احمد، بر تو باد خاموشی، زیرا آبادترین مجلس، دلهای پاکان و خاموشان است و ویران ترین مجلس، دلهای بیهوده گوینان است.

قال الامام علی - علیه السلام - : مَنْ قَلَّ كَلَامُهُ بَطَلَ عِيَّتُهُ. 29.

«غررالحکم، ح 17879»

امام علی - علیه السلام - فرمود: کسی که گفتارش اندک باشد، عیش نابود می شود

قال الامام علی - علیه السلام - : اقل الکلام تأمن الملام. 30.

«غررالحکم، ح 2283»

امام علی - علیه السلام - فرمود: کم گوی تا از ملامت در امان مانی

قال الامام علی - علیه السلام - : إِنْ أَحْبَبْتَ سَلَامَةَ نَفْسِكَ وَ سَتَرَ مَعَايِبَكَ فَأَقِلَّ كَلَامَكَ وَ أَكْثِرْ صَمْتَكَ يَتَوَفَّرَ فِكْرُكَ وَ يَسْتَنِيرَ قَلْبُكَ . 31.

«نهج البلاغه، حکمت 279»

امام علی - علیه السلام - فرمود: اگر دوستدار سلامت جان خود و پوشیده ماندن عیب‌هایت هستی، کمتر سخن گوی و بیشتر خاموش باشد، تا فکر و اندیشه‌ات فزونی گیرد و دلت نورانی شود

قال الامام علی - علیه السلام - : إِيَّاكَ وَ الْهَذَرَ؛ فَمَنْ كَثَرَ كَلَامُهُ كَثُرَ آثَامُهُ . 32.

«غرالحکم، ح 2637»

امام علی - علیه السلام - فرمود: بپرهیز از یاوه‌گویی؛ زیرا هر که پرگو باشد، گناهانش بسیار می‌شود.

قال الامام ابوالحسن الرضا - علیه السلام - : من علامات الفقه الحِلْمُ و العلم و الصُّمْتُ، أن 33.
الصُّمْتُ بابٌ من ابواب الحکمة إن الصُّمْتُ یکسبُ المحبَّةَ إِنَّه دلیلٌ علی کلِّ خیر

«اصول کافی، ج 2، ص 113»

امام رضا - علیه السلام - فرمود: از علامات انسان فهیم در دین، بردباری و علم و سکوت است، همانا سکوت دری از درهای حکمت است و انسان خاموش (به جهت سکوتش) محبتش دردل‌ها قرار می‌گیرد و سکوت دلیل و نشانه‌ای برای رسیدن به هر خیری است.

قال الامام على - عليه السلام - : الصمت حكمٌ و السكوتُ سلامةٌ. 34.

«بحارالانوار، ج 78، ص 63»

امام على - عليه السلام - فرمود: خاموشی (همراه با تدبیر) حکمت است و سکوت باعث سالم ماندن است.

قال رسول الله - صلى الله عليه و آله - : اذا رأيتم المؤمن صموتاً فادنوا منه فإنه يُلقَى الحكمة. 35.

«بحارالانوار، ج 78، ص 300»

رسول اکرم - صلى الله عليه و آله - فرمود: هنگامی که مؤمن را خاموش یافتید، نزدیک او شوید، چرا که او حکمت القاء می کند.

قال رسول الله - صلى الله عليه و آله - : إن أولياء الله سكتوا فكان سكوتهم ذكراً و نظروا فكان 36. نظرهم عبرة و نطقوا فكان نطقهم حكمة.

«اصول کافی، ج 2، ص 237»

رسول اکرم - صلى الله عليه و آله - فرمود: همانا اولیای الهی سکوت می کنند و سکوتشان یاد (خداست)، می نگرند و نگاهشان عبرت (گرفتن) است و سخن می گویند و سخنشان حکمت است.

قال الامام علی - علیه السلام - : الصمت بغير تفکر خرسٌ. 37.

«غررالحکم، ح 1279»

امام علی - علیه السلام - فرمود: خاموشی بدون تفکر گنگی (لالی) است.

قال الامام على - عليه السلام - : كلُّ سكوتٍ ليس فيه فكرٌ فهو غفلةٌ. 38.

«بحارالانوار، ج 71، ص 275»

امام علی - علیه السلام - فرمود: هر سکوتی که در آن اندیشیدن نباشد، غفلت است

قال الامام الكاظم - عليه السلام - : ... إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ دَلِيلًا وَ دَلِيلُ الْعَقْلِ التَّفَكُّرُ وَ دَلِيلُ التَّفَكُّرِ . 39.
... الصَّمْتُ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ مَطِيَّةٌ وَ مَطِيَّةُ الْعَقْلِ التَّوَاضُّعُ

«اصول کافی، ج 1، ص 15»

امام کاظم - علیه السلام - فرمود: ... برای هر چیزی دلیل (و نشانه ای) وجود دارد و دلیل عقل تفکر است و دلیل تفکر سکوت است و برای هر چیزی مرکبی است و مرکب عقل تواضع است

40. قال الإمام الرضا أنّ الصّمت باب من ابواب الحكمه يكسب المحبّه أنّه دليل على كلّ خير.

«مستدرک الوسائل، ج 9، ص 16»

امام رضا (عليه آلاف تحية و الثناء) فرمودند: همانا سکوت راهی از راه های حکمت است، سکوت موجب محبت و علاقه می گردد و راهی برای کسب خیرات می باشد

41. قال الإمام علی - علیه السلام - : السُّکُوتُ عَلَى الْأَحْمَقِ أَفْضَلُ مِنْ جَوَابِهِ.

غررالحکم ح 125

امام علی علیه السلام فرمود: سکوت در برابر احمق بهتر از جواب دادن به اوست

چه بگوییم؟

زبان را در چه چیزهایی بکار ببریم؟

قرآن به ما یاد داده است که چه بگوییم.

یکجا فرموده قول سدید .

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا^۲

ای اهل ایمان، متقی و خدا ترس باشید و همیشه به حقّ و صواب سخن گوید

همیشه حرف درست بنزیم و حرف نادرست نزنیم

در جاهای دیگر فرموده:

«قُولاً مَعْرُوفاً»

(پسندیده و به اندازه باشد. "(سوره «بقره» آیه 235"

«قُولاً لَيِّنًا»

(نرم و مهربانانه باشد. (سوره «طه» آیه 44

«قُولاً بَلِيغاً»

(شیوا و رسا و واضح باشد. "(سوره «نساء» آیه 63"

«قُولاً كَرِيماً»

(کریمانه و بزرگوارانه باشد. (سوره «اسراء» آیه 23

«قُولُوا لِلنَّاسِ حَسَنًا»

(زیبا، نیکو و مطلوب باشد. (سوره «بقره» آیه 83

«يَقُولُوا الَّتِي هِيَ اَحْسَنُ»

(بهترین ها گفته شود" (سوره «اسراء» آیه 53"

«جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ»

(حتی مجادلات و گفت و گوهای انتقادی، به بهترین وجه باشد (سوره «نحل» آیه 125

کنترل چشم عامل تقوا

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ

قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ

«آمده است که جوان عربی در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله در کوچه مشاهده کرد که زن جوانی از روبرو می آید! این جوان شروع به چشم چرانی به زن نمود بطوریکه حواسش پرت شد و متوجه استخوانی که در سوراخ دیوار فرو شده بود، نشد و استخوان به گونه اش اصابت کرد

1. سوره نور، آیه 30.

و خون جاری شد! جوان با همین حالت نزد پیامبر بعنوان طبیب الهی رفت و ماجرای این حادثه را گفت. حضرت فرمود: **همانا نگاه به نامحرم تیری از تیرهای شیطان است.**⁽¹⁾

«روزی حضرت عیسی علیه السلام بایارانش برای دعای طلب باران از شهر خارج شدند. موقع دعا، عیسی علیه السلام گفت: هر که گناهی مرتکب شده برگردد. همه بجز یکنفر بازگشتند. حضرت به او گفت: تو گناهی مرتکب نشده ای؟ گفت: خیر بجز اینکه روزی در حال عبادت بودم که زنی از مقابلم عبور کرد و من ناخواسته بتماشای او مشغول شدم. ناگاه بخود آمدم و بخاطر این کار زشتم، چشم خود را در آوردم و بطرفی که زن رفت بود، پرتاپ کردم!

حضرت فرمود: پس تو دعا کن تا من آمین گویم! او دعا کرد و عیسی علیه السلام آمین گفت و باران آمد.⁽²⁾

یکی از نشانه‌های پاکی چشم، دورماندن چشم از نگاههای شهوانی است. لذا وقتی دختر شعیب علیه‌السلام نزد موسی علیه‌السلام آمد و گفت: پدرم تورا به خانه دعوت کرده و مرا فرستاده تا تورا راهنمایی کنم. موسی علیه‌السلام چند قدمی بدنبال دختر رفت و گفت: ما خاندانی هستیم که پشت سر زن نگاه نمی‌کنیم. پس من جلو می‌روم و تو از پشت سر بیا و هرکجا نیاز به راهنمایی شد، با انداختن سنگ علامت بده! (3)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: "النَّظَرُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ نَگاه [به نامحرم] تیر: زهرآلودی از تیرهای شیطان است." و در روایت دیگر فرمود:

لِكُلِّ عُضْوٍ مِنْ بَنِي آدَمَ حَظٌّ مِنَ الزَّنى وَالْعَيْنُ زِنَاهُ النَّظَرُ وَاللِّسَانُ زِنَاهُ الْكَلَامُ وَالْأُذُنَانِ زِنَاهُمَا السَّمْعُ وَ"
 الْيَدَانِ زِنَاهُمَا الْبَطْشُ وَالرِّجْلَانِ زِنَاهُمَا الْمَشْيُ

ایه الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی: در خوابم نامحرم نمی‌بینم..ایه الله. رحیم ارباب: چهل سال به ...خواهر زن نگاه نکردم..ایه الله نجفی مرعشی: هفتاد سال است به نامحرم نگاه نکردم

و امام صادق علیه‌السلام فرمود: "مَنْ نَظَرَ إِلَى امْرَأَةٍ فَرَفَعَ بَصَرَهُ إِلَى السَّمَاءِ أَوْ غَمَضَ بَصَرَهُ لَمْ يَرْتَدَّ إِلَيْهِ بَصَرُهُ حَتَّى يُزَوِّجَهُ اللَّهُ مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ

إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا؛ به راستی که درباره هر یک از گوش و چشم و (قلب سوال می‌شود) (اسراء، آیه 36)

وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لَمْ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ؛ به پوست بدن خود می گویند:
چرا بر ضد ما شهادت دادید؟ آنها می گویند: همان خدایی که هر چیزی را گویا کرده ما را گویا
(گردانیده است) (فصلت، آیه 21)

روزی خاتم پیامبران (ص)، در جمع مسلمانان سؤال کرد: مرا خبر دهید که بهترین چیز برای زنان «
کدام است؟ [بسیاری از حاضران جواب هایی دادند که مورد تأیید قرار نگرفت تا اینکه] حضرت زهرا
علیها السلام عرض کردند: (خَيْرُ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ) بهترین چیز برای زنان آن
. است که مردی را نبینند و مردی هم آنان را نبیند

:جواب صحیح فاطمه زهرا (س) پس از ناتوانی حاضران، چنان پیامبر (ص) را به وجد آورد که فرمود

«فاطمه پاره تن من است

مغازه دارها مواظب باشند

. جوانی می گفت هر شب شیطونی می شوم وقتی از شغلش سوال شد گفت دست فروشم

معلوم شد که بخاطر شغلش مرتب به زنها و مردها خیابان نگاه می کند و نگاه به زنها باعث می شود
در خواب محتمل و جنب شود

حضرت داود (ع) به فرزند خود فرمود: ای فرزند من ، به دنبال شیر حرکت کن ولی پشت سر زن راه
مرو که شیطان لعین گفته است: « نگاه کردن کمان قوی من است و تیری است که هرگز به خطا نمی
»رود

: امام زین العابدین علیه السلام

كُلُّ عَيْنٍ سَاهِرَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَ عُيُونٍ: عَيْنٌ سَهَرَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ، «
وَعَيْنٌ فَاضَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ».

والبته چشمی که برای حسین بگرید

حضرت رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: یکی از گروهی که وارد جهنم می‌شوند، زنان بدحجابی هستند .
که برای فتنه و فریب مردان، خود را آرایش و زینت می‌کنند

رسول خدا(ص) از حضرت جبرئیل(ع) سوال نمود که آیا فرشتگان خنده و گریه دارند؟ جبرئیل
فرمود: بله. (یکی از آنجاهایی که فرشتگان می‌خندند) زمانی است که زن بی حجابی و بدحجابی
می‌میرد، و بستگان او را در قبر می‌گذارند و روی آن زن را با خشت و خاک می‌پوشانند تا بدنش
دیده نشود. فرشتگان می‌خندند و می‌گویند: تا وقتی که جوان بود و با دیدنش هر کسی را تحریک
می‌کرد و به گناه می‌انداخت(پدر و برادر و شوهرش و...از خود غیرت نشان ندادند) و او را
نپوشانند، ولی اکنون که مرده و همه از دیدنش نفرت دارند او را می‌پوشانند

احادیثی گهربار درباره نگاه

: حدیث (1) امام صادق علیه السلام

أَوَّلُ النَّظَرَةِ لَكَ وَ الثَّانِيَةُ عَلَيْكَ وَ لَا لَكَ وَ الثَّالِثَةُ فِيهَا الْهَلَاكُ؛

نگاه اول [ناخودآگاه به نامحرم] برای تو [حلال] است و نگاه دوم ممنوع است و حرام و نگاه سوم،
هلاکت‌بار است

من لایحضره الفقیه، ج 3، ص 474، ح 4658

: حدیث (2) امام علی علیه السلام

إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا نَظَرَ اعْتَبَرَ... وَالْمُنَافِقُ إِذَا نَظَرَ لَهَا؛

نگاه مؤمن عبرت آمیز و نگاه منافق سرگرمی است

تحف العقول، ص 212

: حدیث (3) امام علی علیه السلام

مَنْ غَضَّ طَرْفَهُ أَرَاخَ قَلْبِهِ؛

هر کس چشم خود را [از نامحرم] فرو بندد، قلبش راحت می شود

غررالحکم، ح 9122

: حدیث (4) پیامبر صلی الله علیه و آله

أَوْصَانِي رَبِّي بِسَبْعٍ: أَوْصَانِي بِالْإِخْلَاصِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَأَنْ أَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنِي وَأُعْطِيَ مَنْ حَرَمَنِي وَ
أَصِلَ مَنْ قَطَعَنِي وَأَنْ يَكُونَ صَمْتِي فِكْرًا وَنَظْرِي عِبْرًا؛

پروردگارم هفت چیز را به من سفارش فرمود: اخلاص در نهان و آشکار، گذشت از کسی که به من
ظلم نموده، بخشش به کسی که مرا محروم کرده، رابطه با کسی که با من قطع رابطه کرده، و سکوت
همراه با تفکر و نگاه برای عبرت باشد.

کنزالفوائد، ص 184

: حدیث (5) امام صادق علیه السلام

إِيَّاكُمْ وَالنَّظَرَ فَإِنَّهَا تَزْرَعُ فِي الْقَلْبِ الشَّهْوَةَ وَكَفَى بِهَا لِصَاحِبِهَا فِتْنَةً؛

از نگاه [ناپاک] پرهیزید که چنین نگاهی تخم شهوت را در دل می کارد و همین برای فتنه‌ی صاحب
آن دل بس است.

تحف العقول، ص 305

: حدیث (6) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

إِيَّاكُمْ وَفُضُولَ النَّظَرِ فَإِنَّهُ يَبْذُرُ الْهَوَىٰ وَيُولِّدُ الْغَفْلَةَ

از نگاه های اضافی پرهیزید چرا که تخم هوس می پراکند و غفلت می آورد

بحار الانوار ج 69 ص 19

داستان مرد مسلمانی که مسیحی شد!

چشم چران قابلیت دیدار با امام زمان ندارد

اگر کسی چشمش را کنترل کرد از بسیاری از گناهان در امان می ماند

حضرت موسی و دختر شعیب

در مهمانی ما مواظب چشمانمان باشیم

اگر به دستورات خدا عمل کنیم گرفتار نمی شویم

زدست دیده و دل هر دو فریاد...

در حدیث قدسی است خدا می فرماید برای چشمانت پلک قرار دادم چرا چشمت بر حرام نبستی؟

جوانی که زمان پیامبر چشم چرانی می کرد و استخوان در کونه اش فرو رفت..

هرآنچه دیده بیند دل کند یاد

زدست دیده و دل هر دو فریاد

زنم بردیده تا دل گردد آزاد

بسازم خنجری نیش ز فولاد

«چه بسیار نگاههای کوتاهی که بدبختیهای بزرگ و طولانی به ارمغان آورده است . ازدواجهایی که با یک نگاه شروع شده و عاقبت در مدت کوتاهی با یک نگاه دیگر به طلاق کشیده می شود .»

«علی علیه السلام : هر که نگاهش به نامحرمان زیاد باشد، فکرش دائماً مشغول خواهد بود .»

«ای رسول ! به مردان مؤمن بگو چشم خود را بر حرام ببندند و عورت خود را از حرام حفظ کنند که این مسئله برای پاک پودنشان لازمتر است و به زنهای مؤمنه هم بگو که چشمهای خود را بر حرام ببندند و عورت خود را از حرام حفظ کنند...»⁽¹⁾

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : هیچ وسیله برای پاکی باندازه پاک بودن چشم و بستن آن بر روی حرام نیست . که هر که چشم خود را بر حرام بست، خدا به دلش توفیق مشاهده عظمت الهی را می دهد»

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : هر که چشمش را از حرام پُر کند، خداوند روز قیامت چشمش را از آتش پر کند، مگر اینکه توبه کند و دیگر عمل حرام را انجام ندهد.»⁽²⁾

«در روایت است که هر که به نامحرمی برخورد و برای رضای الهی، چشم خود را از او برگرفت و دیگر نگاه نکرد، اگر مرد باشد در همان ساعت، حورالعینی باز دو اجش در می آورند و اگر بر این صفت خوب مداومت کند، خداوند شیرینی مناجاتش را به او می چشاند و ملکوت خود را بردلش باز می کند.»⁽³⁾

«گویند مغازه داری به زنانی که از مقابل دکانش رد شده خیره نگاه می کرد و بر زبان لااله الا الله ! جاری می کرد . یکنفر برای تذکر به او وارد مغازه اش شد و جنسی را خواست . مغازه دارد برای آوردن جنس مدتی در داخل مغازه بود که خانمی از مقابل مغازه اش عبور کرد . وقتی مغازه دار جنس مشتری را آورد، مشتری گفت: شما که مشغول آوردن جنس من بودید، یک لااله الا الله ! از مقابل مغازه شما رد شد !!»

«پیامبر صلی الله علیه و آله : سخت است غضب خدا بر زن شوهرداری که چشمش را از حرام پر کند»⁽⁴⁾

«پیامبر صلی الله علیه و آله : کسیکه به عورت دیگری نگاه کند، ملعون است»⁽⁵⁾

«پیامبر صلی الله علیه و آله : اگر از آسمان بیافتم و دونیم شوم برایم بهتر است که به عورت کسی نگاه کنم و یا کسی به عورت من نگاه نماید»⁽¹⁾

چشم ترس مرحوم قاضی

خود ایشان می گوید: « چون بیست سال تمام چشمم را کنترل کرده بودم، چشم ترس برای من آمده بود، چنان که هر وقت می خواست نامحرمی وارد شود از دو دقیقه قبل خود به خود چشم هایم بسته می شد و خداوند به من منت گذاشت که چشم من بی اختیار روی هم می آمد و آن مشقت از من رفته بود.^۳ »

نگاههای حلال: والدین. کعبه. همسر. اب جاری. مخلوقات خدا و..

چشم برای نگاههای حلال در اختیار ما به امانت داده شده است نگاه به همسر و والدین و فرزندان و محارم و دوستان و علما و کعبه و قران و اب جاری و عظمت الهی و آیات انفس و افاقی و... پس عهد ببندیم به حرام نگاه نکنیم. به آنچه برای ما ممنوع است نگاه نکنیم.

چهل سال به خواهر زن نگاه نکرد!

از مرحوم ارباب استاد ایه الله بروجردی و استاد مرحوم نخودکی نقل شده که من با خواهر زنم در یک منزل بودیم به مدت چهل سال. یکبار به خواهر زنم نگاه نکردم!^۴

اگر می خواهیم چشممان لیاقت نگاه به امام زمان پیدا کند از حرام چشم ببوشیم.

^۳ سید علی قاضی و شاگردانش

^۴ خاطرات ایه الله عبدالخالق عبداللهی از شاگردان مرحوم ایه الله ارباب

«روزی خاتم پیامبران (ص)، در جمع مسلمانان سؤال کرد: مرا خبر دهید که بهترین چیز برای زنان کدام است؟ [بسیاری از حاضران جواب‌هایی دادند که مورد تأیید قرار نگرفت تا اینکه] حضرت زهرا علیهاالسلام عرض کردند: (خَيْرُ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرِّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرِّجَالُ) بهترین چیز برای زنان آن است که مردی را نبینند و مردی هم آنان را نبیند .

جواب صحیح فاطمه زهرا (س) پس از ناتوانی حاضران، چنان پیامبر(ص) را به وجد آورد که فرمود:

فاطمه پاره تن من است.» (بحارالانوار، ج 43، ص 92)

مغازه دارها مواظب باشند

جوانی می گفت هر شب شیطونی می شوم وقتی از شغلش سوال شد گفت دست فروشم.

معلوم شد که بخاطر شغلش مرتب به زنها و مردها خیابان نگاه می کند و نگاه به زنها باعث می شود در خواب محتلم و جنب شود.

روحانی که تلویزیون پشت بخاری گذاشته بود:

یکی از علما تلویزیون را پشت بخاری گذاشته بود تا فقط صدای آن را بشنود و تصاویر نامحرم را نبیند!

مرحوم تربتی و در منزل دختری که قرار بود بگیرد:

ایشان در جوانی قرار بود با دختری ازدواج کند که سر نگرفت. ایشان فرمود با اینکه اکثرا از در خانه آن دختر عبور می کردم و لی هرگز به در خانه او نگاه نکردم!

گوهرشاد و جوانی که چشم چرانی کرد..

گوهرشاد خانم (همسر شاهرخ میرزا و عروس امیر تیمور گورکانی) سازنده ی مسجد معروف گوهرشاد مشهد، پیش از ساختن مسجد به دست اندرکاران گفت: از محل آوردن مصالح ساختمانی تا مسجد برای حیوانات باربر ظرفهای آب و علف بگذارید، مبادا حیوانی در حال گرسنگی و تشنگی بار...بکشد. از زدن حیوانات پرهیز کنید، ساعات کار باید معین باشد و مزد مطابق زحمت داده شود و

گوهرشاد خانم، بیشتر وقتها خود جهت هدایت و سرکشی حاضر می شد و دستورات لازم را می دارد. روزی یکی از کارگران به طور ناگهانی چشمانش به صورت او افتاد و در اثر همین نگاه، آتش عشق در وجودش شعله ور گشته و عاشق دلباخته ی او شد؛ اما در این باره نمی توانست چیزی بگوید تا اینکه غم و غصه ی فراوان او را مریض کرد. به خانم گزارش دادند که یکی از کارگران که با مادرش زندگی می کرد مریض شده است. بعد از شنیدن این ماجرا خانم به عیادتش رفت و علت را جویا شد. مادر کارگر جوان گفت: او عاشق شما شده است

خانم با اینکه عروس شاهزاده بود، اما هیچ ناراحت نشد! به مادر جوان گفت: باشد، وقتی من از همسرم جدا شدم با او ازدواج می کنم ولی به شرط اینکه مهریه من را قبل از ازدواج بپردازد و آن این است که چهل شبانه روز در محراب این مسجد نیمه کاره عبادت کند جوان پذیرفت، چند روز از پی عشق او عبادت کرد؛ ولی با توجه خاص امام رضا (علیه السلام) (حالش تغییر یافت) و از آن پس بخاطر خدا عبادت کرد

پس از چهل روز، گوهرشاد خانم از حالش جویا شد، جوان به فرستاده ی خانم گفت: به خاطر لذتی که در اطاعت و بندگی خدا یافتم، از لذت نفس شهوانی پرهیز کرده ام.(بخاطر اینکه لذت عبادت را (فهمیده ام، دیگر عاشق خدا شده ام

شیخ مفید و دو شاگرد بزرگوارش

سید رضی و سید مرتضی نوجوان بودند که برای درس نزد شیخ مفید آمدند. شیخ فقط روز اول به آنها نگاه کرد و دیگر تا چند سال که به آنها درس می داد صورت آنها را ندید تا اینکه مادرشان روزی آمد و گفت شیخ! فرزندان من ریش و سبیل درآورده اند! وقت ازدواجشان است. شیخ نگاه کرد دید اری اینها بزرگ شده و محاسن دارند.^۵

و این همان ورع و تقوایی است که انسان را به خدا می رساند و نجات دهنده انسان در دو سرا است.

أَوَّلُ نَظَرِهِ لَكَ وَ الثَّانِيَةُ عَلَيْكَ وَ لَا لَكَ وَ النَّظَرَةُ الثَّلَاثَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَنْ تَرَكَهَا لِلَّهِ لَا: 3

«لِغَيْرِهِ أَعَقَبَهُ اللَّهُ إِيْمَانًا يَجِدُ طَعْمَهُ» دعائم الاسلام، ج 2، ص 202

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام): مَنْ أَطْلَقَ نَازِرَهُ أَتَعَبَ حَاضِرَهُ مَنْ تَتَابَعَتْ لِحَظَاتُهُ دَامَتْ حَسْرَاتُهُ: 4

«جامع الاخبار، ص 93

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله): مَنْ مَلَ عَيْنُهُ حَرَامًا يَحْشُوهَا اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَسَامِيرَ مِنْ نَارٍ ثُمَّ: 5

.حَسَاهُمَا نَارًا إِلَى أَنْ تَقُومَ النَّاسُ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ جامع الاخبار، ص 93

از جمله مطالبی که امام هشتم در جواب محمد بن سنان فرمود این است: «نگاه کردن به موی زنان شوهردار و غیر آنها حرام است چون باعث تحریک (شهوة) مردان و کشیده شدن به فساد و وارد شدن به چیزی می شود که برای او حلال و زیبا نیست و همین طور نگاه کردن به چیزهایی که مانند (موی باشد حرام است)» (منتخب میزان الحکمه . ص 505، ح 6142)

^۵ داستانهایی از زندگی علماء

این روایت تصریح می کند که نگاه کردن به نامحرم عامل تحریک شهوت و کشیده شدن به فساد بدتر می شود

احکام نگاه کردن (از رساله امام خمینی)

2433 نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است و نگاه کردن به صورت و دستها اگر به قصد لذت باشد حرام است ولی اگر بدون قصد لذت باشد مانعی ندارد و نیز نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام می باشد و نگاه کردن به صورت و بدن و موی دختر نابالغ اگر به قصد لذت نباشد و به واسطه نگاه کردن هم انسان نترسد که به حرام بیفتد اشکال ندارد، ولی بنا بر احتیاط باید جاهایی را که مثل ران و شکم معمولاً می پوشانند نگاه نکند.

2434 اگر انسان بدون قصد لذت به صورت و دستهای زنهای اهل کتاب مثل زنهای یهود و نصارا نگاه کند در صورتی که نترسد که به حرام بیفتد اشکال ندارد.

2435 زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند بلکه احتیاط واجب آن است که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده ولی خوب و بد را می فهمد و به حدی رسیده که مورد نظر شهوانی است بپوشاند.

2436 نگاه کردن به عورت دیگری حرام است اگر چه از پشت شیشه یا در آئینه یا آب صاف و مانند اینها باشد و احتیاط واجب آن است که به عورت بچه ممیز هم نگاه نکنند. ولی زن و شوهر می توانند به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.

2437 مرد و زنی که با یکدیگر محرمند اگر قصد لذت نداشته باشند می توانند غیر از عورت به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.

2438 مرد نباید با قصد لذت به بدن مرد دیگر نگاه کند و نگاه کردن زن هم به بدن زن دیگر با قصد لذت حرام است.

2439 عکس برداشتن مرد از زن نامحرم حرام نیست، ولی اگر برای عکس برداشتن مجبور شود که حرام دیگری انجام دهد مثلاً دست به بدن او بزند یا نظرش به صورت زینت شده او یا به سایر بدن او بیافتد، نباید عکس او را بردارد. و اگر زن نامحرمی را بشناسد، در صورتی که آن زن متهتک نباشد نباید به عکس او نگاه کند.

2440 اگر در حال ناچاری زن بخواهد زن دیگر، یا مردی غیر از شوهر خود را تنقیه کند، یا عورت او را آب بکشد باید چیزی در دست کند که دست او به عورت نرسد و همچنین است اگر مرد بخواهد مرد دیگر دیگری، یا زنی غیر زن خود را تنقیه کند یا عورت او را آب بکشد.

2441 اگر مرد برای معالجه زن نامحرم ناچار باشد که او را نگاه کند و دست به بدن او بزند اشکال ندارد، ولی اگر با نگاه کردن بتواند معالجه کند نباید دست به بدن او بزند و اگر با دست زدن بتواند معالجه کند نباید او را نگاه کند.

2442 اگر انسان برای معالجه کسی ناچار شود که به عورت او نگاه کند، بنابر احتیاط واجب باید آئینه را در مقابل گذاشته و در آن نگاه کند ولی اگر چاره‌ای جز نگاه کردن به عورت نباشد اشکال ندارد.

: نگاه ها ، به طور کلی، به هشت بخش تقسیم می شود که عبارتند از

: 1.نگاه مرد ، که خود دارای سه بخش می باشد

• نگاه مرد به مرد

• نگاه مرد به زن

• نگاه مرد به بچه ها

: 2.نگاه زن ، که به سه بخش تقسیم می شود

• نگاه زن به زن

• نگاه زن به مرد

• نگاه زن به بچه ها

3.نگاه در حالت شک

4.نگاه به عکس ، که خود به پنج قسم تقسیم می شود

• نگاه مرد به عکس زن نا محرم

• نگاه با خوف به عکس

• نگاه به عکس های مبتذل

• نگاه به عکس بچه ها

• نگاه به عکس مرد

5.نگاه به فیلم

6.نگاه به میت

7. نگاه برای معالجه

8. نگاه به زنی، که قرار است با او ازدواج کند

قاعده ی کلی در باب نگاه

1. نگاه به قصد لذت جنسی به هر شکل که باشد حرام است

2. نگاه همسر به همسر چه با لذت و چه بدون لذت، چه عورتین و چه غیر عورتین (9) جایز است

3. نگاه کردن به عورت دیگری، حتی به عورت بچه ی ممیزی که خوب و بد را می فهمد، حرام است ولی زن و شوهر می توانند به تمام بدن یکدیگر، چه ظاهر چه (10) باطن نگاه کنند

: نگاه مرد به مرد

نگاه کردن مرد به بدن مرد دیگر، با قصد لذت حرام است ولی بدون قصد لذت جایز (11) است

: نگاه مرد به زن

نگاه مرد به زن محرم: مرد وزنی که به یکدیگر محرمند، اگر قصد لذت نداشته باشند (12) می توانند غیر از عورت به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند

نگاه مرد به زن نا محرم مسلمان: نگاه کردن مرد به بدن زنان نا محرم مسلمان و همچنین نگاه کردن به موی آنان، چه با قصد لذت چه بدون آن حرام است و نگاه کردن به صورت و دستهای آنان، اگر به قصد لذت باشد حرام است و اما بدون قصد (13) لذت، نگاه به آنها بنا بر اظهر جایز است

نگاه مرد به زن نا محرم غیر مسلمان (کافر ذمی یا کافری که از زمان تولد، محکوم به کفر است): نگاه کردن به زنان اهل ذمه، بلکه به زنان کافری که از هنگام تولد، محکوم به کفر هستند، به جاهایی از بدن آنها که عادتاً پوشانیده نمی شود، بدون (14). قصد لذت و در صورتی که خوف واقع شدن در حرام نباشد، جایز است

: نگاه مرد به بچه ها

(15). نگاه مرد به پسر بچه: نگاه مرد به پسر بچه، به قصد لذت حرام است

نگاه کردن به بچه غیر ممیز که خوب و بد را نمی فهمد، بدون قصد لذت جایز است (16).

(17). نگاه کردن به عورت بچه ی ممیز که خوب و بد را می فهمد، حرام است

. نگاه مرد به دختر بچه: احکام بالا، در رابطه ی دختر بچه ی محرم نیز جاری است

نگاه کردن به صورت و بدن و موی دختر نا بالغ نامحرم، اگر به قصد لذت نباشد و به واسطه نگاه کردن هم انسان نترسد که به حرام بیفتد، جایز است ولی بنا بر احتیاط، (18). باید جاهایی را که مثل ران و شکم معمولاً می پوشانند نگاه نکند

: نگاه زن به زن

نگاه کردن زن به بدن زن دیگر، به قصد لذت حرام است ولی بدون قصد لذت، (19). جایز است

: نگاه زن به مرد

نگاه زن به مرد محرم: مرد و زنی که به یکدیگر محرمند، اگر قصد لذت نداشته (20). باشند، می توانند غیر از عورت به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند

نگاه زن به مرد نامحرم : نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم ، بنا بر احتیاط واجب حرام است؛ اما جواز نگاه کردن زن به قسمتی از بدن مرد نامحرم که غالباً باز است ، مثل سر ، خالی از وجه نیست ، مگر اینکه این نگاه کردن ، کمک به معصیت باشد (21)

نگاه زن به بچه ها :

نگاه زن به پسر بچه محرم یا نامحرم : نگاه کردن زن به بدن پسری که بالغ نشده ولی (22) . خوب و بد را می فهمد ، جایز نیست

نگاه کردن به بچه ی غیر ممیزی که خوب و بد را نمی فهمد ، بدون قصد لذت ، جایز (23) . است

(24) . نگاه زن به دختر بچه : نگاه زن به دختر قبل از زمان تمییز ، جایز است

. نگاه زن به دختر بچه ی ممیز به غیر عورتین ، جایز است و به عورتین ، جایز نیست (25)

نگاه در حالت شک :

1. اگر شک کند این شخص از کسانی است که نباید به او نگاه کند یا کسانی که می تواند به او نگاه کند ، نباید نگاه کند

2. اگر در جمعی شک کند به این ترتیب که می داند محرمی دارد ولی نمی داند که کدام یک از افراد این جمع است ، نباید نگاه کند

3. اگر انسان در شخصی شک کند که مرد است یا زن (مثلاً به علت تاریکی) بنا بر احتیاط واجب ، نباید به او نگاه کند

4. اگر انسان در چیزی شک کند که انسان است مثلاً یا حیوان یا چیز دیگر ، نگاه (26) . کردن جایز نیست

: نگاه به عکس

نگاه به عکس نا محرم : نگاه کردن به تصویر زن نا محرم، حکم نگاه کردن به خود زن نا محرم را ندارد؛ بنا براین اگر نگاه از روی لذت نبوده و خوف افتادن به گناه نباشد و تصویر هم متعلق به زن مسلمانی که بیننده ی آن را می شناسد نباشد، اشکال ندارد. (27)

: نگاه با خوف به عکس

اگر نگاه کردن به تصاویر، به قصد ریه باشد یا انسان بداند که منجر به تحریک شهوت او می شود یا خوف ارتکاب گناه و مفسده باشد، در این صورت نگاه کردن به آنها حرام است. (28)

نگاه به عکس های مبتذل :

نگاه های حرام عبارتند از:

نگاه به چهره آرایش کرده زن. نگاه به زیور آلات زن. نگاه به عکس بی حجاب زن آشنا. نگاه با ریه (ترس افتادن به حرام). نگاه به بدن مرد نامحرم (به جز صورت و دست ها)، البته در این مسئله بین مراجع اختلاف نظر وجود دارد. نگاه به تمام بدن زن نامحرم (به جز صورت و دست ها تا میچ). نگاه [هوس آلود (هرچند به صورت و دست ها و یا به بدن هم جنس)]. 5

:توجه به استفتای زیر در روشن تر شدن مطلب به ما کمک می کند

شخصی قصد ازدواج دارد، آیا می تواند بدون قصد لذت به چهره و موی خانم ها (مثلاً در **س 1**

خیابان) نگاه کند، تا یکی را پسندد و بعد از او خواستگاری کند؟

: (قال النبی ص)

لِكُلِّ عَضْوٍ مِنْ ابْنِ آدَمَ حَظٌّ مِنَ الزَّنا الْعَيْنُ زناه النظرة و اللسان زناه الكلام و الاذنان زناه السمع و الیدان زناهما البطش و الرجلان زناهما المشی

: پیامبر اکرم (ص) فرمودند

در هر عضوی از فرزند آدم بهره ای است از زنا؛ زنا ی چشم نظر کردن است

زنای زبان صحبت با نامحرم است
و زنای گوش شنیدن سخن نامحرم است
و زنای دست گرفتن بدن نامحرم است
و زنای پا رفتن به سوی مکان های بد است
(جامع الاخبار 145)

جوانی محضر امام سجاد علیه السلام آمد و گفت من عادت به گناه پیدا کردم چگونه گناه را ترک
کنم؟

فرمود پنج کار بکن بعد هر گناهی خواستی بکن!

از روزی خدا نخور. جایی گناه کن خدا نبینت. جایی گناه کن حکومت خدا انجا نباشد. موقعی که
عزرائیل خواست جانت بگیرد نمیر! در قیامت خواستند جهنم ببرنت نرو!

علامه طباطبایی: هر موقع روز فقط با قرآن هستم شب خواب های ملکوتی می بینم. و هر موقع در روز با
...! مردم در ارتباط خوابهای اشفته می بینم

همچنین امام صادق (علیه السلام) از امام باقر نقل فرموده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به هنگام
رفتن به سوی عرفات اسامه را سوار کرده بود و همین که از عرفات افاضه کرد، فضل بن عباس را که
جوانی خوش سیما بود در پشت سر خود سوار کرد

در آن هنگام مرد عربی که همراه خواهرش بود و او نیز زیاروی بود، با پیامبر (صلی الله علیه و آله)
روبرو گردیده و از پیامبر (صلی الله علیه و آله) سؤالاتی کرد و فضل بن عباس به خواهر او چشم
دوخته بود

پیامبر (صلی الله علیه و آله) چون چنین دید دست خود را روی چشم فضل گذارده بود تا چشمش را از نگاه به نامحرم بپوشاند، اما او از سوی دیگر به آن زن نگاه می کرد. تا اینکه آن مرد عرب پاسخ .سؤالات خود را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) دریافت کرد و به راه خود ادامه داد

پیامبر (صلی الله علیه و آله) نگاهی به فضل کرد و در حالیکه شانه اش را گرفته بود فرمود: آیا نمی دانی که این روزها از ایام المعدودات و ایام المعلومات است، که هر کس در مثل چنین روزهایی چشم و زبان و دستش را نگه دارد خداوند برای او مثل ثواب حج آینده می نویسد

بحار الانوار، ج 99، ص 351

آقا سید هاشم حداد می فرمودند: « من در تمام مدت سلوک در خدمت مرحوم آقا (قاضی) نامحرم نمی دیدم، چشمم به زن نامحرم نمی افتاد

یک روز مادرم به من گفت: عیال تو از خواهرش خیلی زیباتر است

من گفتم: من خواهرش را تا به حال ندیده ام، گفت: چطور ندیده ای در حالی که بیشتر از دو سال است که در اطاق ما می آید و می رود و غالباً بر سر یک سفره غذا می خوریم؟! به رسم اعراب که زنان شان حجاب درستی ندارند و در منزل غالباً همه با هم محشورند؛ در عین عصمت تام و عفت کامل. من گفتم: والله! که یک بار هم چشم من به او نیفتاده است!! و این عدم نظر نه از روی حفظ و خودداری چشم بوده است؛ طبعاً حالشان اینطور بوده است

نظیر این مطلب را مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس قوچانی از خودشان نقل کردند؛ البته در یک اربعین یا بیشتر، مرحوم قاضی دستوراتی برای ذکر و ورد و فکر به ایشان داده بودند که از جمله

آثارش این بود که: هر وقت در کوچه و بازار که می رفتم چشمم به زن نامحرمی می افتاد، بدون اختیار پلکهایم به روی هم می آمد؛ و این مشهود بود که بدون اراده و اختیار من است

□!?! از بزرگی پرسیدند #فلسفه حرام بودن نگاه به نامحرم چیست؟

□!... گفت: میبینی، میخواهی، به وصالش نمیرسی، دچار #افسردگی میشوی □

□!... میبینی، شیفته میشوی، #عیب هارا نمیبینی، #طلاق میدهی □

□!?!... میبینی، دائم به او فکر میکنی، از یاد خدا #غافل میشوی، از عبادت #لذت نمیری □

□!... میبینی، با همسرت #مقایسه میکنی، ناراحت میشوی، بد اخلاقی میکنی □

میبینی، لذت میری، به این لذت عادت میکنی، چشم چران میشوی، در نظر دیگران #خوار □
میگردی...!! □

□!!... میبینی، لذت میری، #حب_خدا در دلت کم میشود، ایمانت تضعیف میشود □

میبینی، عاشق میشوی، از راه حلال نمیرسی، دچار #گناه میشوی... □ □ □

از عوامل تقوا:

کنترل شکم

کنترل دل و ذهن

کنترل دست و جوارح

کنترل شهوت

رابطه خوب با خدا داشتن

چطور از شر شیطان در امان بمانیم؟ در این رابطه ایه الله العظمی شیخ محمد علی شاه ابادی استاد
حضرت امام که همیشه حضرت امام از ایشان با روحی له الفداء یاد می کردند فرموده اند

شیطان سگِ درگاه خداست. اگر کسی با خدا آشنا باشد، شیطان به او عوعو نکند و او را اذیت نکند.

شاگرد ایشان، امام خمینی (ره)، در ادامه می فرماید: «سگِ درِ خانه ، آشنایان صاحب خانه را دنبال
نمی کند. شیطان نمی گذارد کسی که آشنایی با صاحب خانه ندارد وارد خانه شود

منبع: چهل حدیث، امام خمینی (ره)، ح ۲، ص ۵۲؛ برگرفته از عارف کامل، ص ۱۰۶

مخالفت با نفس

مردی بنام مجاشع نزد پیامبر آمد و پرسید: چه راهی برای خداشناسی است؟

فرمود: خودشناسی. پرسید: چه راهی برای موافقت با خدا است؟ فرمود: مخالفت با نفس. پرسید: چه راهی

برای رضایت خدا است؟ فرمود: عصبانی کردن نفس. پرسید: چه راهی برای وصل به خدا است؟

فرمود: دور کردن نفس. پرسید: چه راهی برای اطاعت خدا است؟ فرمود: معصیت نفس. پرسید: چه راهی

برای یاد خدا است؟ فرمود: فراموش کردن نفس. پرسید: چه راهی برای نزدیکی به خدا است؟

فرمود: دوری از نفس. پرسید: چه راهی برای مانوس شدن با خدا است؟ فرمود: وحشت از نفس.

پرسید: چه راهی برای رسیدن به اینها است؟ فرمود: کمک گرفتن از خدا برای مخالفت با نفس. {بحار

.. ج 77 ص 27